

یاران روحانی الله ابھی

همانگونه که میدانیم حضرت بهاءالله به طور مکرر در آثار و تعالیم خود، پیروانشان را تشویق می کنند تا در مواجهه با ظلم، بجای خشونت و انتقام، محبت حقیقی و عمیق خود را به جمیع نوع انسان نثار کنند و بجای در پیش گرفتن یک زندگی روزمره و معمولی، خدمت خالصانه به انسانها را، با زندگی خود در هم آمیزند.

برنامه ای که تحت عنوان "اتکا به قدرت درونی در مقابله با ظلم" تهیه گردیده و به شما عزیزان پیشنهاد میگردد، قصد دارد به این حقیقت متعالی پرداخته و ما را متذکر دارد که چگونه میتوانیم "با اتکاء به قدرتی درونی که روح انسان را از آسیب کینه و نفرت محفوظ میدارد و موجب تداوم رفتار منطقی و اخلاقی میشود، ورای ظلم و عدوان" نگریسته و بر آن فایق آئیم...

امیدواریم تأمل بر هدایات الهیه و تبادل نظر با عزیزانتان این مسیر را هرچه بیشتر هموار سازد.

جانتان خوش باد

بیت العدل اعظم الهی می فرمایند:

احبای الهی باید همواره متوجّه و متذکّر باشند که وظیفه ایشان ارائه نمونه‌ای از روش جدید زندگی است، روشی که خصوصیات شاخص آن پای‌بندی به اصول عالی اخلاقی و احترام به منزلت و حقوق تمامی مردم و احتراز از ظلم و ستم و هر نوع تعدی است.

مجموعه برای نظم عالم اوت ۲۰۲۳

عنوان: اتکا به قدرت درونی در مقابله با ظلم

قسمت روحانی

۱. مناجات شروع

۲. مناجات دوم

۳. بیانات مبارکه حضرت بهاء‌الله

۴. بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء (قسمت اول)

۵. بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء (قسمت دوم)

قسمت اداری

۶. ورای مصائبی که شما را از هر جهت احاطه نموده بنگرید

۷. قسمتهایی از هدایات بیت العدل اعظم الهی

۸. قسمتی از پیام بیت العدل اعظم مورخ نوروز ۱۹۷۹

۹. در واکنش به ظلم بیرونی نباید شرافت انسانی را پایمال نمود

۱۰. توانمندی راستین را از طریق بیداری و هشیاری روحانی می توان بدست آورد

۱۱. شور و مشورت

۱۲. برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

قسمت اجتماعی

۱۳. انس و الفت

۱۴. مناجات خاتمه

۱- مناجات شروع

قُلْ سَبِّحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا كَنَزَ الْفُقَرَاءِ وَمُعِينَ الضُّعَفَاءِ وَمَالِكَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ وَالْمُسْتَوَى عَلَى عَرْشٍ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، أَشْهَدُ بِمَا شَهِدَ لِسَانُ إِرَادَتِكَ فِي مَلَكُوتِ بَيَانِكَ وَأَعْتَرِفُ بِمَا أَنْزَلْتَهُ فِي زُبْرِكَ وَكُتِبَكَ وَالْوَاحِكِ، أَيُّ رَبِّ أَسْأَلُكَ بِالصَّحِيفَةِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا بِأَنْوَارِ بَيَانِكَ وَكُتِبَتْ فِيهَا لِأَوْلِيَائِكَ مَا يَنْبَغِي لَهُمْ فِي أَيَّامِكَ وَبِاسْمِكَ الظَّاهِرِ النَّاطِقِ الْمَكْنُونِ وَنُورِكَ الْمُشْرِقِ السَّاطِعِ الْمَخْزُونِ بِأَنْ تُؤَيِّدَنِي عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى بِحَيْثُ لَا تَمْنَعُنِي جُنُودُ أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ وَلَا سَطْوَةُ الظَّالِمِينَ مِنْ خَلْقِكَ، أَيُّ رَبِّ أَنَا عَبْدُكَ وَأَبْنُ عَبْدِكَ قَدْ سَمِعْتُ نَدَائَكَ وَأَقْبَلْتُ إِلَيْكَ وَوَجَدْتُ عَرَفَ قَمِيصِكَ وَسَرَعْتُ بِقَلْبِي إِلَيْكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَنِي عَمَّا قَدَّرْتَهُ لَأَمْنَائِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ.

ادعیه مبارکه ج ۲ ص ۶۹

۲- مناجات دوم

هو الله

خداوندا، اولیای مخلصین مبتلای ظلم و ستم معاندینند تو نجات ده و احبای آن جمال مُبین، چون اغنام مظلوم در چنگال گرگان جَهل و ظُلومند، تو رهائی بخش. عَندلیبان گلشن تقدیس در بین جعدان گلخن مکر و تدلیس نالانند، تو به فریاد رَس و دلبران پری روی امر نازنین، در گید اهریمنان جُور و جفایند، تو آزاد فرما. اگر چه بلا عین عطا است ولی قلوب اهل ولا، اَرَقُّ از نسیم صبا. اگر چه ظلم اَعْداء مُنادی امر اعظم ابهی است، اما تنهای بی تاب و توان احباء، خستۀ سَهام مُترادفۀ اهل بَغْضاء

بنده آستانش شوقی

۳- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

ای ذبیح، نفس ظلم مورث ظهور سَطَوَت و قهر بوده. اگر به بَصَر حقیقی ملاحظه نمائید جمیع ناس مُستحق عذابند چه که به ظلم مشغولند اَلَا مَنْ شَاءَ رَبِّكَ. مَعْدَلُكَ بِاسْمِهِ الرَّحْمَن الرَّحِيم ناظر و دوست نداشته و ندارد أَحَدی بر نفسی تَعَرَّض نماید. ظالمان را به خدا واگذارند و در شدائد، صابر باشند و اینست حق و شأن اهل حق وما بعد الحقَّ اَلَا الضَّلَال.

پیام آسمانی ج ۱ ص ۶۰

"مَنْ اَغْتَاطَ عَلَيْكُمْ قَابِلُوهُ بِالرَّفْقِ وَالَّذِي زَجَرَكُمْ لَا تَزْجُرُوهُ. دَعُوهُ بِنَفْسِهِ وَ تَوَكَّلُوا عَلَى اللَّهِ الْمُنْتَقِمُ الْعَادِلُ الْقَدِيرُ."

آیه ۱۵۳ کتاب اقدس

وَكُنْ مُتَخَلِّقًا بِاخْلَاقِي بَحِيثٌ لَوْ يَبْسُطُ عَلَيْكَ احَدٌ اِيَادِيَ الظُّلَمِ اَنْتَ لَا تَلْتَفِتُ اِلَيْهِ وَلَا تَتَعَرَّضُ بِهِ، دَعِ حُكْمَهُ اِلَى رَبِّكَ الْقَادِرِ الْعَزِيزِ الْقَيُّومِ."

آثار قلم اعلی جلد ۴ ص ۶۱

۴-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء(قسمت اول)

انتقام عقلاً نیز مذموم است چه که از انتقام از برای مُنتقم ثمری حاصل نشود. مثلاً اگر به شخصی ضربتی زند شخص مضروب اگر به انتقام برخیزد و او نیز شخص ضارب را ضربتی زند، چه فائده از برای او حاصل؟ آیا زخمش مرهم یابد و دردش درمان پذیرد؟ استغفرالله و فی الحقیقه هر دو عمل یکی است. اذیت است ولی تفاوتش تقدّم و تأخّر است. لهذا شخص مضروب اگر عفو نماید بلکه بالعکس معامله کند، ممدوح است اما هیأت اجتماعیّه آن شخص ضارب را قصاص نمایند، نه انتقام کشند. و این قصاص به جهت آنست که ردّ و دفع حاصل گردد و مقاومت ظلم و تعدّی شود تا دیگران دست تطاول نگشایند. ولی شخص مضروب البته اگر عفو و سّماح نماید بلکه نهایت عنایت را مبذول دارد، محبوب است.

مفوضات ص ۱۸۶

"آفاق، مانند ماهی لب تشنه است و تعالیم جمال مبارک، آب روان. نه حیفی و نه سیفی و نه تکفیری و نه تدمیری و نه تضییقی و نه تعرّضی و نه تکلّفی. شمشیرش، اعلان وحدت عالم انسانی. تیغ جهانگیرش، موهبت رحمانی. قوّه جُندیه اش، محبت الله. قوانین و آئین سپاهش، بیان معرفت الله. سپهسالارش، نور هدایت الله. اصول و قوانینش، محبت و مهربانی با جمیع نوع انسانی، به درجه ای که بیگانه، آشناست. اغیار، یار. دشمن، دوست. بدخواه، خیرخواه و به این نظر رفتار می شود، زیرا خطاب به عالم انسانی می فرماید...: همه، بار یک دارید و برگ یک شاخسار..."

مائده آسمانی ج ۵ ص ۹

۵- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء (قسمت دوم)

مبادا خاطری بیازارید و نفسی را محزون کنید و در حق شخصی چه یار و چه اغیار چه دوست و چه دشمن زبان به طعنه گشائید. در حق کلّ دعا کنید و از برای کلّ موهبت و غفران طلبید. زنهار زنهار از اینکه نفسی از دیگری انتقام کشد ولو دشمن خونخوار باشد. زنهار زنهار از اینکه نفسی خاطری بیازارد ولو بدخواه و بدکردار باشد. نظر به خلق ننمائید توجه به خالق کنید. قوم عنود را مبینید، ربُّ الجنود را ملاحظه کنید. خاک را نبینید، پرتو آفتاب تابناک بینید که هر خاک سیاه را روشن و پدیدار کرده.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱ ص ۷۱

"در هر دوری امر به الفت بود و حکم به محبت، ولی محصور در دائره یاران موافق بود نه با دشمنان مخالف. اما الحمد لله که در این دور بدیع اوامر الهیه محدود به حدی نه و محصور در طائفه ای نیست. جمیع یاران را به الفت و محبت و رعایت و عنایت و مهربانی به جمیع امم امر می فرماید. حال احبای الهی باید به موجب این تعالیم ربّانی قیام کنند اطفال بشر را پدر مهربان باشند و جوانان انسان را برادر غمخوار گردند و سالخوردگان را اولاد جانفشان شوند. مقصود اینست که باید با کلّ حتی دشمنان به نهایت روح و ریحان، محبّ و مهربان بود. در مقابل اذیت و جفاف نهایت وفا مجرا دارید و در موارد ظهور بغضا، به نهایت صفا معامله کنید، سهم و سنان را سینه ای مانند آئینه، هدف نمائید و طعن و شتم و لعن را به کمال محبت مقابلی کنید تا جمیع امم، مشاهده قوت اسم اعظم نمایند و کلّ ملل، مُعترف به قدرت جمال قدم گردند که چگونه بنیان بیگانگی برانداخت و اُمم عالم را به وحدانیت و یگانگی هدایت فرمود و عالم انسانی را نورانی کرد و جهان خاک را تابناک فرمود.

منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء - جلد ۱ - ش ۷

۶- ورای مصائبی که شما را از هر جهت احاطه نموده بنگرید

سالی که گذشت شاهد استمرار تضییقات و ادامهٔ شدايد و ستم‌های ناروا بر شما عزیزان درگاه کبریا بود. مرتکبین اصلی این ظلم و ستم، براستی کسانی هستند که اهریمنِ جهل و تعصّب روح و قلب‌شان را تسخیر نموده و آنان را از نیکی و بزرگ‌منشی بازداشته است به طوری که عامل خشونت و شقاوت نسبت به هم‌نوع گشته و خود را از الطاف الهی محروم ساخته‌اند. عدّهٔ دیگری از هموطنان شما نیز در حالی که به بی‌گناهی شما مُعترف و قلباً مایلند که عدالت را در حقّ شما مُجری دارند، به علّت جوّ امنیتی موجود دستورات رؤسای خود را با اکراه اجرا می‌کنند و در این ظلم و ستم سهیم می‌شوند.

سپاس پرودگار یکتا را که در همین سال چه در داخل و چه در خارج، شاهد همبستگی جمع بی‌شماری از ایرانیان شریف و روشن ضمیر بودید. ندای سازمان‌های مدنی، ملی و بین‌المللی را در حمایت از آزادی و شرافت انسانی خویش شنیدید، از صدور قطع‌نامه‌ها و بیانیه‌های متعدّد در مجالس ملی و بین‌المللی در دفاع از حقوق حقّهٔ خود مطلع شدید و با پایداری و استقامت آرام و سازندهٔ خود تحسین و ستایش جهانیان را جلب نمودید. برادران و خواهران روحانی شما نیز در سراسر عالم با الهام گرفتن از خدمات و فداکاری‌های شما با عزمی راسخ و روحی مصمّم در میادین خدمت به پیش رفتند و همواره در دعا و مناجات به آستان حضرت یزدان به یاد شما عزیزان بودند...

ظالمان را به خداوند واگذارید و این بیان مبارک را به خاطر آورید که می‌فرمایند: "ای ظالمان ارض از ظلم دست خود را کوتاه نمایید که قسم یاد نموده‌ام از ظلم احدی نگذرم." ورای مصائبی که شما را از هر جهت احاطه نموده بنگرید و به بینش شکوهمند این امر اعظم که اصلاح عالم و سعادت امم است ناظر باشید. با تأسّی به حیات هیاکل مقدّسهٔ امرالله و نیاکان روحانی خود و بر طبق مَثَل بارزی که خود در طیّ سی سال گذشته

به جهانیان ارائه داده‌اید، در شدايد صبور و بردبار بمانيد، به فداکاری‌های الهام‌بخش خود ادامه دهید و سهم خود را در بنای جهان و ایرانی متحد، آباد و آزاد بیش از پیش ادا نمایید.

پیام بیت العدل اعظم الهی نوروز ۱۳۹۰

۸- قسمتی از پیام بیت العدل اعظم مورخ نوروز ۱۹۷۹

هنگامی که بی قانونی در عالم تداول یابد، موقعی که حکومتها اعتلاء و انحطاط یابند، هنگامی که گروههای رقیب و اُمم مُتخاصم، هر یک به نفع خود، به نزاع مشغول شوند، مصیبت مظلومان و محرومان، قلب هر بهائی حقیقی را محزون سازد و فریاد اعتراض او را بلند کند یا خشم علیه مرتکبین بی‌عدالتی را برانگیزد. زیرا این زمان امتحان است که کلام حضرت بهاءالله را به خاطر آرد که، "بگو ای غافلین، قسم به خداوند، یوم موعود فرا رسید؛ یومی که بلایا و محن، فوق رأس و تحت أرجل شما ظاهر و به این بیان ناطق گردد: دُوقوا بمَا اکتسَبْت ایدیکم." حال، زمانی است که هر یک از آحاد مؤمنین به حضرت بهاءالله باید به میثاق الهی متمسک باشد، در مقابل هر وسوسه‌ای برای درگیر شدن در منازعات عالم مقاومت نماید، و به خاطر داشته باشد که حامل امانتی گرانبها، یعنی پیام الهی است؛ پیامی که فقط آن است که می‌تواند بی‌عدالتی را از عالم محو و نابود سازد و امراضی را که هیکل و روح انسان بدان مبتلا گشته، علاج و درمان نماید. ما حاملان کلام الهی در این یوم هستیم و هر قدر افق نزدیک تیره و تار باشد، باید با علم به این که کاری که انجام می‌دهیم کار خدا است و ولادتی را برای عالم به ارمغان خواهد آورد که جلال و شکوهش متلاًتلاً تر از درخشانترین رؤیاهای ما و فراتر از عالیت‌ترین آمال ما خواهد بود، با مسرت پیش برویم."

(ترجمه)

۷- قسمتهایی از هدایات بیت العدل اعظم الهی

"در این ایام پر افتتان، که دریای بلا بیش از پیش در تلاطم است و طوفان جفا از جمیع جهات آن عزیزان را احاطه نموده ... در احقاق حقوق حقّه خود از طریق قانونی با صداقت کامل بکوشید. دشنام را با تحیت و سلام پاسخ گوید و حتی با ظالمان به رأفت و مهربانی و صبر و شکیبایی مقابله نمایید."

پیام ۲۳ بهمن ۱۳۸۷ خطاب به بهائیان ایران

"بهائیان خواهان عدالتند و طالب داد و انصاف، ولی نه در پی تلافی و انتقام. قلوبشان از درد مشحون است ولی از نفرت و دشمنی آزاد و مبرا، نگرانند ولی محبت و رأفتشان به دیگران بی انتها، تنگدستند ولی طبعشان بلند و مقاصدشان والا، بی سر و سامانند ولی خود برای سایرین ملجأ و پناه، گرفتار در دام کینه‌وراند، ولی روحشان طایر و پران، مظلومند، ولی در حقّ ظالم خیرخواه. اطفالشان را نه به ترویج خشونت و ستیز بلکه به مهربانی و بخشش تربیت می‌نمایند که خاطر موری نیازارند تا چه رسد به انسان."

پیام ۱ شهریور ۱۴۰۱

جای تعجب نیست که اعضای جامعه‌ای چون جامعه اسم اعظم در آن سرزمین مقدس که از اوان کودکی با تلاوت مناجات "پروردگارا قلب صافی چون درّ عطا فرما" پرورش یافته‌اند، قادرند در مسیر زندگی روزمره خود هر نوع سختی و مشقتی را تحمل کنند و اجازه ندهند که غبار تنفر و کینه و یا حس انتقام قلوبشان را آلوده سازد؛ مبدا که آن درّ درخشان تَلَأُو و درخشندگی خود را از دست دهد..

پیام ۲۷ آذر ۱۳۹۳

۹- در واکنش به ظلم بیرونی نباید شرافت انسانی را پایمال نمود

(یکی از ویژگیهای) رویکرد بهائی به رهایی از ظلم مراقبت پایدار در مبارزه با ظلم درونی و بیرونی است. هنگامی که ظلم و ستم تنها به گونه ای مادی تصویر و تعریف گردد در آن صورت جور و عدوان پدیداری تک بعدی و بیرونی تلقی می گردد.

در این صورت سخن گفتن از ظلم به خود، سرکوب درونی و لزوم اصلاح درونی جامعه مظلوم، سخنی نابه جا و حتی سرزنش ستمدیده و قربانی ستم، عنوان می گردد. رویکرد آئین بهائی کاملاً رویکردی دیگر می باشد. مبارزه علیه ظلم باید در آن واحد مبارزه ای علیه ظلم خارجی و ظلم داخلی هر دو باشد. ظلم در نهایت رویکردی ذهنی است که عبارت از تقلیل انسان به عرصه حیوان است. بدین ترتیب هم ستمکار و هم ستمدیده، هم توانمند و هم ناتوان هر دو می توانند به گسترش جور و ستم کمک کنند. یعنی آنکه اندیشه و احساس و فعل خود را بر مبنای منطق جنگل، یعنی انسان زدائی از خود و دیگران بنا کنند. بنا بر این مبارزه راستین علیه ظلم نیازمند هم نبرد علیه ظلم ستمکار است و هم جنگ با دیو درون. یعنی ضرورت شکفتگی فرهنگ مهر و داد در درون جامعه ستمدیده.

در واقع این رویکرد دقیقاً رویکردی بود که بهاءالله در همه نوشته ها و مراحل زندگی خود آن را دنبال نمود. در زمانی که به خاطر کوشش نابخردانه توسط سه جوان بابی برای کشتن ناصرالدین شاه، دولت و آخوندها دست به دست یکدیگر داده و به نسل کشی و کشتار عام بایان قیام نمودند بایان با دو راه روبرو بودند. یکی آنکه بخاطر سالها ظلم و عدوان و سرکوب و خونریزی نسبت به بایان در جهت فرهنگ جهاد، نفرت از دولت قاجار و علما و تشویق خشونت و قهر نسبت به ستمکاران، گام بردارند. راه دیگر راهی بود که بهاءالله که در وسط زندان، خود قربانی این سرکوب و کشتار خونین بود آنرا برگزید. وی بر آن شد که نه تنها این ظلم بیرونی را محکوم نماید و فرهنگی که آن را تغذیه می نماید از میان

بردارد بلکه به علاوه به ظلم درونی جامعه بابی نیز توجه نماید و علیه آن ظلم نیز بپا خیزد. از نظر بهاءالله اینکه جامعه بابی به خاطر سالها مظلومیت و مقهوریت به خود اجازه داده بود که به حدّ منطق جنگل تنزل نماید و در نتیجه همانند درندگان ارض احساس و عمل نماید بزرگترین شکل ظلم درونی یا ستم به خود بود. در واکنش به این ظلم درونی بود که بهاءالله فرهنگ نوین آشتی و مهر و یگانگی را در بحبوحه زندان سیاهچال تهران برپا نمود:

و در ایام و لیالی در سجن مذکور در اعمال و احوال و حرکات حزب بابی تفکر می نمودیم که مَعَ عُلُوّ و سُمُوّ و ادراک آن حزب آیا چه شد که از ایشان چنین عملی ظاهر، یعنی جسارت حرکت آن حزب نسبت به ذات شاهانه. و بعد این مظلوم اراده نمود که بعد از خروج از سجن به تمام همّت در تهذیب آن نفوس قیام نماید و در شبی از شبها در عالم رؤیا از جمیع جهات این کلمه علیا اصغا شد "انّا ننصرک بک و بقلمک".

این روش که سرآغاز و تولّد آئین بهائی بود در سرتاسر دوران زندگی بهاءالله و نوشته های او تداوم می یابد. نبرد روحانی او علیه ظلم و اعتساف خارجی با توجه به جلوگیری از رشد ظلم درونی همراه بود. این است که در سرتاسر آثار او این نکته تکرار و تأکید می شود که پیروان او نباید در واکنش به ظلم بیرونی شرافت انسانی را پایمال نمایند، به نفرت و خشونت پردازند و اصول اخلاقی معطوف به انقطاع، امانت، خلوص، مهر و اعمال پسندیده را فراموش نمایند. از این رو بود که از نظر بهاءالله بزرگترین و بدترین ظلم علیه او نه از ظالمان ددمنش خارجی بلکه از کسانی سرچشمه می گرفت که خود را به او منسوب می ساختند و با این حال بگونه ای خشونت آمیز و ناپسندیده رفتار می نمودند:

"ضرّ این مظلوم زنجیر و کُند ارض طاء نبوده و همچنین ظلم ظالم های ارض میم نه، بلکه از نفوس است که دعوی محبت می نمایند و خود را از اهل بهاء می شمردند و لکن مطیع نفس

و هوی مشاهده می کردند. امروز باید اولیاء به نور تقوی مُنور باشند و به نار انقطاع مُشتعل....
براستی می گویم از هر نفسی نار اَمَل و شهوت ظاهر شود او از حقّ نبوده و نیست.

مقاله "از ظلم و ستم به داد و خرد" نادر سعیدی

۱۰- توانمندی راستین را از طریق بیداری و هشیاری روحانی می توان بدست آورد
از نظر بهاءالله سرکوب روح و دل به مراتب پلیدتر از سرکوب جسم می باشد. محرومیت از
منابع مادی سرکوبی جسمانی است اما زمانی که مظلوم شرافت و ارجمندی معنوی خود را
فراموش نماید، منطق جنگل یعنی منطق سرکوبگر و ستمکار خارجی را در دل خود جای
دهد و به خود اجازه دهد که به دوزخ نفرت و تعصّب سقوط نماید، در آن صورت نه تنها
بدن او بلکه روح و جان او نیز سرکوب و اسیر شده اند. چنین سرکوب و اسارتی پیروزی
راستین ستمکاران است. پس باید در عین آنکه با ظلم خارجی مبارزه نمود باید پاکی دل و
جان را از هر نوع آلودگی کینه و نفرت پاس داشت. چنین فرهنگی است که به بهبود نوع
انسان از بیماری جور و ستم منجر خواهد شد. در این باره بهاءالله چنین می نویسد:
در سبیل محبوب از جان مترسید و از مظاهر ظلم و طغیان میندیشید. قسم به نیرّ اعظم که
احدی از اهل ارض را بر موقنین بالّله تسلّطی نبوده و نخواهد بود الاّ بر اجساد ظاهره، و در
ممالک روح تصرفی نداشته و نخواهند داشت. و اگر مشرکین فی الجمله تفکّر نمایند ابداً
مُتعرّض هیاکل احدیه نشوند چه که مقصود مُعرضین از آنچه مرتکب می شوند ذلتّ آن
نفوس مطمئنه بوده و خواهد بود و اگر بدانند که در شهادت آن نفوس، حیات‌های باقیه
مستور است و در ذلّتشان در سبیل رحمن، ملکوت عزّت مُضمّر، هرگز تعرّض ننمایند.

اینکه باید در توانمندی و توانایی مظلومان و ستمدیدگان کوشش کرد بدین معناست که حق را باید گرفت اما در اندیشه بهائی توانمندی در نهایت به معنای آن است که باید ستمدیده به شکفتن و فعلیت یافتن نیروی درونی خویش که در روح او نهفته است پردازد. قدرت راستین توانائی به انقطاع، استقلال، مهرورزی، خدمت، خودسازی و کمالات روحانی است. پس توانمندی راستین را نمیتوان از طریق شمشیر و تفنگ و توپ بلکه از طریق بیداری و هشیاری روحانی می توان بدست آورد.

مقاله "از ظلم و ستم به داد و خرد" نادر سعیدی

۱۱- شور و مشورت:

بهایان ایران با سلوک و منش خود نشان داده‌اند که واکنش صحیح در مقابل ظلم، نه قبول خواسته‌های سرکوبگران است و نه پیروی از خوی و روش آنان. نفوسی که گرفتار جور و ستم هستند، می‌توانند با اتکاء به قدرتی درونی که روح انسان را از آسیب کینه و نفرت محفوظ میدارد و موجب تداوم رفتار منطقی و اخلاقی می‌شود، و رای ظلم و عدوان بنگرند و بر آن فایق آیند...

۲ تیر ۱۳۸۸ خطاب به بهائیان ایران

چگونه میتوان در مقابله با ظلم از این قدرت درونی بهره برد و بر بی‌عدالتی فایق آمد؟